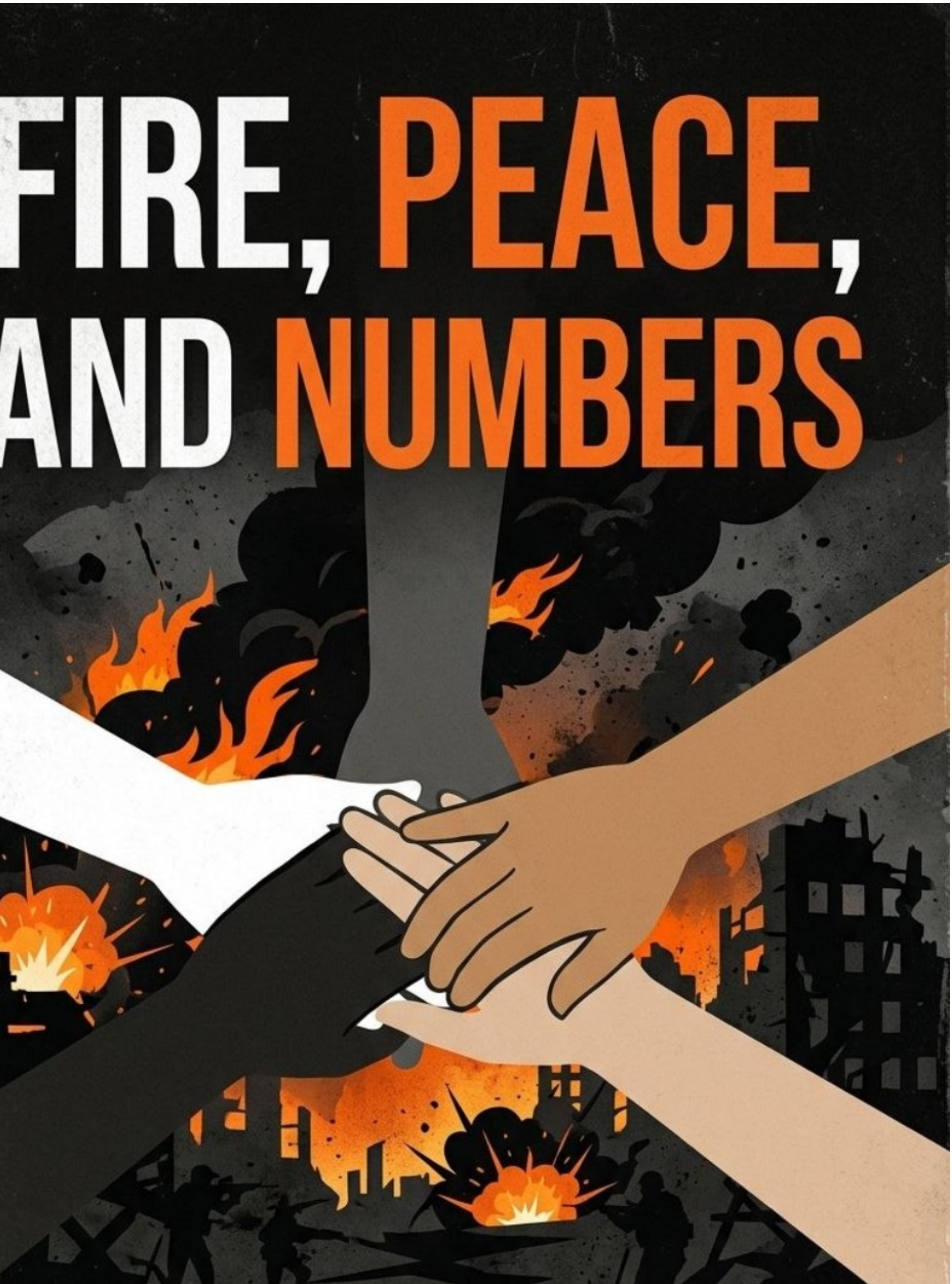

FIRE, PEACE,
AND NUMBERS

آتش، صلح و اعداد

نقشه راه استقلال، تاب‌آوری و قدرت اقتصادی ایران

نویسنده: حمیدرضا پاکباختگان

ویرایش نهایی برای انتشار - چاپ اول

۲۰۲۶ / ۱۴۰۵

انتشار مستقل نویسنده

شناسنامه اثر

عنوان: آتش، صلح و اعداد

زیرعنوان: نقشه راه استقلال، تاب‌آوری و قدرت اقتصادی ایران

نویسنده: حمیدرضا پاکباختگان

ویرایش: ویرایش نهایی برای انتشار

نوبت انتشار: چاپ اول - ۱۴۰۵ / ۲۰۲۶

شیوه انتشار: انتشار مستقل نویسنده

موضوع: اقتصاد ایران، سیاست‌گذاری عمومی، تاب‌آوری اقتصادی، اقتصاد سیاسی، شفافیت و توسعه

یادداشت روش‌شناسی: این کتاب اثری تحلیلی و آموزشی است، نه توصیه سرمایه‌گذاری، مشاوره حقوقی یا سند رسمی سیاست‌گذاری. داده‌های متغیر زمانی تا حد امکان بر اساس منابع معتبر و با ذکر سال/دوره بیان شده‌اند. پیشنهادهای سیاستی نیازمند ارزیابی تخصصی، سنجش آثار توزیعی و انطباق با قوانین کشور هستند.

تقدیم به مردم ایران؛

به آنان که می‌خواهند کشور را نه با آرزوهای کوچک،

بلکه با تصمیم‌های دقیق و آینده‌ای بزرگ بسازند.

پیشگفتار

به نام خداوندی که انسان را به اندیشیدن، آموختن و انتخاب کردن دعوت کرد.

من، حمیدرضا پاکباختگان، این کتاب را در دوره‌ای نوشته و بازنگری کرده‌ام که اقتصاد، سیاست و امنیت ملی بیش از همیشه به یکدیگر پیوند خورده‌اند. تصمیم اقتصادی ممکن است در ظاهر درباره بودجه، بانک یا تجارت باشد، اما اثر آن به سفره خانواده، انگیزه سرمایه‌گذاری، توان دفاعی، کیفیت خدمات عمومی و امید نسل آینده می‌رسد.

پرسش‌هایی که نقطه آغاز این کتاب بودند ساده‌اند اما پاسخ‌های ساده ندارند: چرا کشوری با منابع طبیعی و سرمایه انسانی قابل توجه، با تورم و نااطمینانی روبه‌رو می‌شود؟ چرا اصلاحات گاهی نتیجه نمی‌دهند؟ نظام مالی جهانی چگونه کار می‌کند؟ و چگونه می‌توان آسیب‌پذیری را کاهش داد بدون آنکه به انزوا پناه برد؟

در فضای عمومی گاهی دو پاسخ افراطی عرضه می‌شود: یکی اینکه همه مشکلات از بیرون می‌آیند و دیگری اینکه فشار خارجی اهمیتی ندارد. هر دو نگاه ناقص‌اند. محدودیت خارجی می‌تواند هزینه واقعی ایجاد کند، اما کیفیت نهادهای داخلی تعیین می‌کند یک شوک تا چه اندازه به بحران تبدیل شود. به همین دلیل این کتاب هم تحریم و ساختار قدرت مالی جهانی را بررسی می‌کند و هم بودجه، بانک، مالیات، فساد، بهره‌وری و کیفیت سیاست‌گذاری داخلی را.

برای توضیح وابستگی مالی از تشبیه «پل» استفاده می‌کنم: اگر تنها پلِ موجود برای رفتن به شهر دیگر از مسیری نامطلوب عبور کند، استفاده از آن تا زمان ساخت مسیر جایگزین لزوماً به معنای دوستی یا پذیرش نیست؛ می‌تواند تصمیمی برای جلوگیری از زیان بیشتر باشد. عقل اقتصادی حکم می‌کند هم هزینه امروز را مدیریت کنیم و هم برای ساختن پل‌های جدید سرمایه‌گذاری کنیم.

من اقتصاددان دانشگاهی نیستم و این کتاب نیز ادعای مرجعیت دانشگاهی ندارد. آنچه ارائه می‌شود، چارچوبی برای فهم عمومی و گفت‌وگوی سیاستی است. به همین دلیل در پایان کتاب، واژه‌نامه، چارچوب سنجش پیشنهادها و فهرست منابع منتخب افزوده شده تا خواننده بتواند مسیر مطالعه را ادامه دهد.

امید من این است که این کتاب به جای تولید یقین‌های سریع، پرسش‌های بهتر ایجاد کند؛ زیرا جامعه‌ای که پرسش‌های دقیق‌تری می‌پرسد، تصمیم‌های پرهزینه را دیرتر و اصلاحات ضروری را زودتر تشخیص می‌دهد.

مقدمه

این کتاب برای آن نوشته شده است که خواننده غیرمتخصص بتواند اقتصاد ایران را نه از دریچه شعار، بلکه از مسیر سازوکارها ببیند: پول چگونه خلق و جابه‌جا می‌شود، دولت چگونه هزینه می‌کند، بانک چه نقشی دارد، تحریم از کدام کانال اثر می‌گذارد و چرا اصلاحات اقتصادی بدون نهادهای شفاف پایدار نمی‌مانند.

در میدان نظامی، قدرت با آمادگی، فرماندهی و لجستیک سنجیده می‌شود. در اقتصاد نیز منطق مشابهی وجود دارد: کشوری که بودجه منضبط، بانک سالم، بنگاه رقابتی، داده شفاف، ذخایر مناسب و شرکای متنوع داشته باشد، در برابر فشار بیرونی قدرت مانور بیشتری دارد. بنابراین استقلال اقتصادی نه شعارِ قطع ارتباط، بلکه توانِ انتخاب میان چند گزینه است.

این اثر طرفدار انزوا نیست و وابستگی را نیز فضیلت نمی‌داند. هدف، ساختن اقتصادی است که بتواند با جهان تعامل کند و در عین حال، تصمیم‌های حیاتی خود را زیر فشار یک مسیر مالی، یک ارز، یک شریک یا یک منبع درآمد اتخاذ نکند.

کتاب حاضر یک سند سیاستی رسمی یا نسخه نهایی برای اقتصاد ایران نیست. متن، تلاشی تحلیلی و آموزشی است و پیشنهادهای آن باید در معرض نقد اقتصاددانان، مدیران، کارآفرینان، متخصصان حقوق، فناوری، محیط‌زیست و علوم اجتماعی قرار گیرد. در ویرایش حاضر، برخی گزاره‌های مطلق نسخه اولیه تعدیل، تفاوت میان «فرضیه»، «تجربه تاریخی» و «پیشنهاد سیاستی» روشن‌تر و فصل‌های مربوط به نظام مالی جهانی، شفافیت و نقشه راه تکمیل شده‌اند.

معیار اصلی در سراسر کتاب چهار واژه است: ثبات، بهره‌وری، شفافیت و قدرت انتخاب. اگر سیاستی این چهار هدف را تقویت کند و هزینه توزیعی آن نیز منصفانه مدیریت شود، احتمال بیشتری دارد که به رفاه پایدار منجر شود.

چهار اصل راهنمای کتاب

- ثبات: سیاستی که هر روز تغییر کند، سرمایه‌گذاری و اعتماد نمی‌سازد.
- بهره‌وری: رشد پایدار از بهتر استفاده کردن از منابع می‌آید، نه فقط مصرف منابع بیشتر.
- شفافیت: تصمیم و هزینه عمومی باید قابل مشاهده، اندازه‌گیری و پرسش باشد.
- قدرت انتخاب: استقلال واقعی یعنی داشتن چند مسیر معتبر و توان «نه گفتن» بدون فروپاشی اقتصادی.

فهرست مطالب

فصل اول

کالبدشکافی اقتصاد ایران

پول از کجا می‌آید و به کجا می‌رود؟

◆ ◆ ◆

مقدمه

اقتصاد، پیش از آنکه مجموعه‌ای از نمودارها و اصطلاحات تخصصی باشد، داستان انتخاب است. خانواده، بنگاه و دولت هر سه با منابع محدود و خواسته‌های فراوان روبه‌رو هستند. تفاوت فقط در مقیاس است. وقتی یک خانواده ناچار است میان مصرف امروز و پس‌انداز فردا انتخاب کند، همان مسئله‌ای را تجربه می‌کند که دولت در انتخاب میان هزینه جاری و سرمایه‌گذاری زیرساختی با آن مواجه است.

در زبان روزمره، اقتصاد اغلب با گرانی، نرخ ارز یا بیکاری یکی گرفته می‌شود؛ اما اینها بیشتر «علائم» هستند تا خودِ اقتصاد. اقتصاد شبکه‌ای از تولید، مبادله، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، مالیات، اعتبار و اعتماد است. اگر این شبکه سالم کار کند، حتی شوک‌های بیرونی نیز قابل مدیریت‌تر می‌شوند؛ اگر ناسالم باشد، یک شوک کوچک می‌تواند به بحران بزرگ تبدیل شود.

برای فهم ساده‌تر، می‌توان پول را به خون در بدن تشبیه کرد؛ اما باید یک نکته را افزود: خودِ پول ثروت نیست. ثروت واقعی از کالا، خدمت، دانش، مهارت، زیرساخت، سرمایه و نهادهای قابل اعتماد ساخته می‌شود. افزایش مقدار پول بدون افزایش متناظر تولید، به‌جای افزایش واقعی رفاه، بیشتر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود.

اقتصاد چیست و سه پرسش پایه‌ای

هر اقتصاد باید به سه پرسش پاسخ دهد: چه چیزی و با چه فناوری‌ای تولید شود؛ درآمد و فرصت چگونه میان مردم و بنگاه‌ها توزیع شود؛ و چه بخشی از منابع امروز مصرف و چه بخشی برای فردا سرمایه‌گذاری شود.

هیچ الگوی واحدی برای پاسخ به این پرسش‌ها وجود ندارد. دولت، بازار، تعاونی‌ها و نهادهای مدنی در کشورهای مختلف سهم‌های متفاوتی دارند. مسئله اصلی، نه اندازه ایدئولوژیک هر بخش، بلکه کیفیت قواعد بازی، رقابت، پاسخ‌گویی و سنجش نتایج است.

چرخه پول، از درآمد تا سرمایه‌گذاری

فرض کنید یک کارخانه محصولی می‌فروشد. بخشی از درآمد به دستمزد تبدیل می‌شود، بخشی برای مواد اولیه و انرژی پرداخت می‌شود، بخشی مالیات است و بخشی می‌تواند برای توسعه خط تولید کنار گذاشته شود. کارکنان نیز درآمد خود را خرج یا پس‌انداز می‌کنند؛ فروشندگان درآمد می‌گیرند؛ بانک‌ها پس‌اندازها را به اعتبار تبدیل می‌کنند و دولت از طریق بودجه منابع را بازتوزیع می‌کند.

وقتی این چرخه به‌دلیل نااطمینانی، کمبود اعتبار، افت تقاضا یا محدودیت تجارت کند شود، رکود و بیکاری افزایش می‌یابد. در سوی مقابل، اگر نقدینگی بسیار سریع‌تر از تولید رشد کند و انتظارات تورمی نیز بالا باشد، فشار قیمتی شکل می‌گیرد. به همین دلیل سیاست پولی، مالی و ارزی باید هماهنگ باشد.

دولت پول خود را از کجا می‌آورد؟

درآمد دولت از مالیات، عوارض و حقوق گمرکی، سود و درآمد دارایی‌های عمومی، درآمد منابع طبیعی، واگذاری دارایی‌ها و در برخی دوره‌ها از استقراض و انتشار اوراق تأمین می‌شود. تفاوت مهم میان «درآمد پایدار» و «منبع موقت» است. مالیات بر پایه اقتصادی مولد می‌تواند تکرارشونده باشد؛ فروش یک دارایی یا برداشت از منابع بین‌نسلی چنین ویژگی‌ای ندارد.

برای کشوری مانند ایران، نفت مزیت مهمی است اما نباید به عادت بودجه‌ای تبدیل شود. درآمد منابع طبیعی زمانی به توسعه پایدار کمک می‌کند که بخش معناداری از آن به سرمایه انسانی، زیرساخت، فناوری و صندوق‌های بین‌نسلی تبدیل شود.

بودجه و کسری بودجه

اگر هزینه‌های پایدار دولت از درآمدهای پایدار بیشتر باشد، کسری بودجه مزمن شکل می‌گیرد. جبران کسری از مسیر بدهی، فروش دارایی یا منابع بانک مرکزی هر کدام هزینه و محدودیت خود را دارد. بدهی اگر در خدمت سرمایه‌گذاری مولد و در چارچوب توان بازپرداخت باشد، لزوماً بد نیست؛ اما استفاده مداوم از منابع پولی برای پوشاندن هزینه‌های جاری، زمینه تورم را تقویت می‌کند.

اصل کلیدی آن است که بودجه باید قابل فهم، قابل حسابرسی و قابل ارزیابی باشد. هر ردیف هزینه باید هدف، شاخص عملکرد و گزارش نتیجه داشته باشد. بودجه بدون سنجش نتیجه، فقط جدول ارقام است.

تحریم و شوک خارجی

تحریم اقتصادی معمولاً تجارت را متوقف نمی‌کند، بلکه مسیر آن را پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر می‌کند: نقل‌وانتقال پول دشوارتر می‌شود، بیمه و حمل‌ونقل گران‌تر می‌شود، سرمایه‌گذار ریسک بیشتری می‌بیند و فروشنده یا خریدار خارجی هزینه رعایت مقررات و ریسک حقوقی را در قیمت لحاظ می‌کند.

در عین حال، همه مشکلات را نمی‌توان به تحریم نسبت داد. اقتصادی با بانک‌های سالم، بودجه منضبط، نظام ارزی قابل پیش‌بینی و بنگاه‌های رقابتی، توان بیشتری برای جذب شوک دارد. در نتیجه، سیاست داخلی و محیط خارجی دو متغیر جدا از هم نیستند؛ اثر هر کدام به کیفیت دیگری وابسته است.

جمع‌بندی فصل

برای تحلیل اقتصاد، به‌جای نگاه کردن به یک عدد، باید مسیر منابع را دنبال کرد: درآمد چگونه ایجاد می‌شود، چه کسی آن را تخصیص می‌دهد، چه میزان به مصرف و چه میزان به سرمایه‌گذاری می‌رود، و چه نهادی پاسخ‌گوی نتیجه است. این نگاه، پایه فصل‌های بعدی است.

نکته کلیدی: هر اصلاح اقتصادی باید هم‌زمان سه آزمون را بگذراند: امکان اجرا، قابلیت اندازه‌گیری و عدالت در توزیع هزینه و منفعت.

فصل دوم

مشکلات ساختاری اقتصاد ایران

چرا اصلاح دشوار است؟

◆ ◆ ◆

مقدمه

مشکل ساختاری به مسئله‌ای گفته می‌شود که با یک تصمیم کوتاه‌مدت برطرف نمی‌شود، زیرا در قواعد، نهادها، مشوق‌ها و روابط میان بازیگران ریشه دارد. تورم می‌تواند یک عدد ماهانه باشد، اما اگر منشأ آن کسری بودجه مزمن، ناترازی بانکی، نااطمینانی و ضعف بهره‌وری باشد، مهار پایدار آن نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات هماهنگ است.

در اقتصاد ایران، چند چالش به یکدیگر متصل‌اند: بودجه ناپایدار، دولت گسترده، بانک‌های ناتراز، محیط کسب‌وکار پرهزینه، چندگانگی مقررات، رانت، ضعف شفافیت، سرمایه‌گذاری ناکافی و بهره‌وری پایین. اصلاح هر حلقه بدون دیدن حلقه‌های دیگر، ممکن است اثر محدود یا حتی عارضه جانبی ایجاد کند.

۰۱ وابستگی بودجه به درآمدهای ناپایدار

وقتی بخشی از مخارج جاری بر درآمدهایی بنا شود که به قیمت جهانی کالا، محدودیت صادرات یا شرایط سیاسی وابسته‌اند، برنامه‌ریزی مالی شکننده می‌شود. راه‌حل، حذف درآمد منابع طبیعی نیست؛ بلکه جدا کردن مخارج جاری از درآمدهای نوسانی و تعریف قاعده برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری این درآمدهاست.

۰۲ اندازه و کیفیت دولت

بحث «دولت بزرگ یا کوچک» اگر از کیفیت جدا شود، ناقص است. دولت ممکن است از نظر تعداد سازمان‌ها بزرگ باشد اما در تنظیم‌گری، ارائه داده، اجرای قرارداد و ارزیابی عملکرد ضعیف عمل کند. اصلاح مطلوب به معنای دولت چابک‌تر، حرفه‌ای‌تر و پاسخ‌گوتر است؛ نه صرفاً کاهش تعداد کارکنان بدون بازطراحی مأموریت‌ها.

۰۳ کسری بودجه مزمن

کسری بودجه وقتی مزمن می‌شود که تصمیم‌های هزینه‌ای بلندمدت بدون منبع پایدار اتخاذ شود. قواعد مالی، سقف بدهی، گزارش تعهدات آتی و ارزیابی هزینه-فایده پروژه‌ها می‌تواند انضباط را تقویت کند. مهم‌تر از همه، باید هزینه‌های پنهان و تعهدات خارج از بودجه نیز دیده شوند.

۴. نظام بانکی و ناترازی

بانک واسطه اعتماد است. اگر کیفیت دارایی بانک‌ها پایین باشد، مطالبات غیرجاری انباشته شود، سهام‌داری و تسهیلات مرتبط شفاف نباشد یا نرخ‌های سود با واقعیت ریسک سازگار نباشد، بانک از تأمین مالی تولید فاصله می‌گیرد. اصلاح بانکی بدون حسابرسی مستقل، افشای ریسک و تقویت نظارت مؤثر نیست.

۵. نظام مالیاتی و اقتصاد غیررسمی

مالیات پایدار زمانی مشروعیت بیشتری دارد که پایه مالیاتی گسترده، معافیت‌ها محدود و قواعد ساده باشند. فشار بر مؤدی شفاف در کنار معافیت یا فرار گروه‌های دیگر، هم عدالت را تضعیف می‌کند و هم انگیزه رسمی ماندن را کاهش می‌دهد. تمرکز باید از افزایش نرخ‌ها به سمت گسترش پایه، داده‌محوری و کاهش استثناها حرکت کند.

۶. رانت، انحصار و تعارض منافع

رانت زمانی ایجاد می‌شود که دسترسی به ارز، مجوز، زمین، اعتبار یا قرارداد عمومی تابع رقابت برابر نباشد. تعارض منافع نیز هنگامی شکل می‌گیرد که تصمیم‌گیر بتواند از تصمیم خود نفع شخصی یا سازمانی ببرد. مبارزه با رانت، بیش از شعار، به انتشار داده، رقابت و قواعد روشن درباره تعارض منافع نیاز دارد.

۰۷ نااطمینانی و سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری تابع پیش‌بینی‌پذیری است. حتی نرخ سود بالا نمی‌تواند جای امنیت قرارداد، ثبات مقررات و دسترسی قابل پیش‌بینی به زیرساخت را بگیرد. سرمایه‌گذار از ریسک طبیعی بازار فرار نمی‌کند؛ از ریسک قاعده‌ای که قابل سنجش نیست فاصله می‌گیرد.

۰۸ بهره‌وری؛ مسئله کمتر دیده‌شده

افزایش تولید تنها با افزودن نیروی کار، انرژی و سرمایه محدود است. رشد پایدار در بلندمدت از بهره‌وری می‌آید: آموزش بهتر، مدیریت بهتر، فناوری، رقابت، زیرساخت و تخصیص درست منابع. هر سیاست صنعتی باید نهایتاً با این پرسش سنجیده شود که آیا بهره‌وری بنگاه و اقتصاد را بالا می‌برد یا فقط حمایت دائمی ایجاد می‌کند.

جمع‌بندی

مشکلات ساختاری به‌هم‌پیوسته‌اند و اصلاح آنها نیز باید مرحله‌ای اما هماهنگ باشد. موفقیت یعنی ایجاد نهادی که پس از تغییر دولت‌ها نیز قواعد درست را حفظ کند.

نکته کلیدی: هر اصلاح اقتصادی باید هم‌زمان سه آزمون را بگذراند: امکان اجرا، قابلیت اندازه‌گیری و عدالت در توزیع هزینه و منفعت.

فصل سوم

چرا اصلاحات گذشته به نتیجه مطلوب نرسیدند؟

از سیاست مقطعی تا اصلاح نهادی

◆ ◆ ◆

مقدمه

بسیاری از سیاست‌ها با نیت حل مسئله آغاز می‌شوند اما در اجرا با سه مشکل روبه‌رو می‌شوند: تعریف مبهم هدف، نبود شاخص قابل اندازه‌گیری و تغییر مکرر قواعد. در چنین شرایطی حتی سیاستی که روی کاغذ منطقی است، نمی‌تواند اعتماد و رفتار بلندمدت ایجاد کند.

اصلاح علائم به جای علت‌ها

کنترل اداری قیمت، تزریق کوتاه‌مدت منابع یا بخشنامه‌های فوری می‌تواند برای مهار بحران زمان بخرد، اما جای اصلاح علت را نمی‌گیرد. سیاست اضطراری باید تاریخ انقضا، معیار خروج و برنامه اصلاح ریشه‌ای داشته باشد؛ وگرنه به وضعیت عادی تبدیل می‌شود.

ناپایداری سیاست‌ها

تغییر مکرر مقررات مالیاتی، ارزی، تجاری و مجوزها افق تصمیم‌گیری را کوتاه می‌کند. بنگاهی که نتواند یک سال بعد را تصور کند، کمتر در فناوری و نیروی انسانی سرمایه‌گذاری می‌کند و بیشتر به حفظ نقدینگی یا دارایی امن تمایل پیدا می‌کند.

خصوصی‌سازی بدون رقابت

خصوصی‌سازی صرفاً انتقال سند مالکیت نیست. اگر بازار انحصاری بماند، شفافیت قراردادها ضعیف باشد یا خریدار به اعتبار ترجیحی و حمایت نامتقارن دسترسی داشته باشد، کارایی الزاماً افزایش نمی‌یابد. خصوصی‌سازی موفق به تنظیم‌گر مستقل، رقابت و افشای اطلاعات نیاز دارد.

غلبه هزینه جاری بر سرمایه‌گذاری

وقتی بودجه درگیر تعهدات روزمره شود، نخستین قربانی معمولاً نگهداری زیرساخت، آموزش، پژوهش و پروژه‌های سرمایه‌ای است. این انتخاب شاید امروز درد کمتری داشته باشد، اما ظرفیت رشد فردا را کاهش می‌دهد. بودجه باید میان رفاه جاری و سرمایه‌گذاری بین‌نسلی تعادل برقرار کند.

سیاست ارزی بدون لنگر اقتصاد کلان

نرخ ارز را نمی‌توان برای مدت طولانی جدا از تورم، بهره‌وری، تراز پرداخت‌ها و انتظارات مدیریت کرد. چندنرخی شدن اگر طولانی شود، انگیزه آربیتراژ و رانت ایجاد می‌کند. اصلاح ارزی باید هم‌زمان با انضباط مالی، اصلاح بانکی و حمایت هدفمند از اقشار آسیب‌پذیر اجرا شود.

شکاف میان سیاست و اجرا

کیفیت اجرا به تقسیم مسئولیت، داده، زمان‌بندی و پاسخ‌گویی بستگی دارد. هر اصلاح باید صاحب مشخص، جدول زمان، بودجه، شاخص نتیجه و گزارش عمومی داشته باشد. سیاست بدون سازوکار اجرا، بیشتر بیانیه است تا برنامه.

اعتماد به‌عنوان سرمایه اقتصادی

اعتماد، هزینه مبادله را کاهش می‌دهد. وقتی مردم به ثبات پول، بنگاه به قرارداد و سرمایه‌گذار به قانون اعتماد داشته باشند، افق تصمیم‌ها بلندتر می‌شود. بازسازی اعتماد با وعده ممکن نیست؛ با تکرار رفتار قابل پیش‌بینی ساخته می‌شود.

پنج شرط اصلاح پایدار

هدف روشن و قابل اندازه‌گیری؛ ثبات قواعد؛ شفافیت داده؛ پاسخ‌گویی نهاد مسئول؛ و هماهنگی سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری. این پنج عنصر باید پیش از آغاز هر اصلاح بزرگ طراحی شوند.

جمع‌بندی

درس اصلی گذشته این است که اصلاح اقتصادی پروژه روابط عمومی نیست. باید هزینه‌ها و برندگان و بازندگان کوتاه‌مدت شناخته شوند، حمایت اجتماعی هدفمند طراحی شود و نتیجه به‌طور مستقل ارزیابی گردد.

نکته کلیدی: هر اصلاح اقتصادی باید هم‌زمان سه آزمون را بگذراند: امکان اجرا، قابلیت اندازه‌گیری و عدالت در توزیع هزینه و منفعت.

فصل چهارم

تجربه کشورهای موفق و ناموفق

چگونه از بحران به توسعه رسیدند؟

◆ ◆ ◆

مقدمه

هیچ تجربه‌ای را نمی‌توان نسخه‌برداری کرد. جغرافیا، جمعیت، نظام سیاسی، دسترسی به بازارها و سرمایه انسانی کشورها متفاوت است. ارزش مقایسه در یافتن «سازوکار» است: چه نهاد یا سیاستی باعث شد منابع به بهره‌وری، صادرات یا سرمایه انسانی تبدیل شود و چه چیزی مانع شد.

چین؛ اصلاح تدریجی و آزمایش نهادی

اصلاحات اقتصادی چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ با ترکیبی از آزادسازی تدریجی، مناطق ویژه، جذب سرمایه خارجی، توسعه صادرات و حفظ نقش فعال دولت پیش رفت. یکی از درس‌های مهم، آزمون سیاست در مقیاس محدود و گسترش آن پس از مشاهده نتیجه بود.

تجربه چین نشان می‌دهد که گشودگی تجاری زمانی اثر عمیق‌تری دارد که با زیرساخت، ظرفیت تولید و یادگیری فناوری همراه شود. در عین حال، اندازه و ساختار چین قابل تکرار نیست و هر کشور باید مدل خود را طراحی کند.

کره جنوبی؛ سرمایه انسانی، صادرات و ارتقای فناوری

کره جنوبی با منابع طبیعی محدود، توسعه خود را بر آموزش، مهارت، زیرساخت، صادرات صنعتی و سپس نوآوری بنا کرد. حمایت صنعتی در بسیاری از دوره‌ها با هدف صادرات و سنجش عملکرد همراه بود؛ یعنی حمایت به نتیجه پیوند داشت.

درس برای ایران این است که حمایت از بنگاه باید زمان‌دار و مشروط به افزایش بهره‌وری، کیفیت و صادرات باشد؛ نه حقی دائمی.

ترکیه؛ اهمیت اصلاح بانکی و انضباط پس از بحران

بحران ۲۰۰۱ ترکیه به بازسازی بانک‌ها، تقویت نظارت، اصلاح مالی عمومی و تغییر چارچوب سیاست پولی منجر شد. این اصلاحات در سال‌های بعد به ثبات بیشتر کمک کرد، اما تجربه تورمی سال‌های متأخر نیز نشان می‌دهد دستاورد نهادی اگر با سیاست‌گذاری سازگار ادامه نیابد، می‌تواند تضعیف شود.

امارات؛ تبدیل درآمد منابع به زیرساخت و خدمات

درآمد نفت در امارات در کنار سرمایه‌گذاری گسترده در بنادر، هواپیمایی، تجارت، گردشگری، خدمات مالی و زیرساخت شهری به تنوع اقتصادی کمک کرد. درس اصلی، تبدیل رانت منابع طبیعی به دارایی مولد و محیط کسب‌وکار قابل رقابت است.

ویتنام؛ اصلاح، صادرات و اتصال به زنجیره جهانی

اصلاحات «دوی موی» مسیر ویتنام را از اقتصاد بسته‌تر به تولید صادراتی و جذب سرمایه خارجی تغییر داد. موفقیت صادراتی بزرگ بوده است، اما تجربه امروز ویتنام نشان می‌دهد چالش بعدی، پیوند دادن شرکت‌های داخلی به زنجیره ارزش و افزایش سهم ارزش افزوده بومی است.

برزیل؛ ثبات پولی و ضرورت حفظ انضباط

برزیل در دهه ۱۹۹۰ با اصلاح پولی و مالی توانست تورم بسیار بالا را مهار کند. تجربه آن یادآور می‌شود که مهار تورم نه با فرمان، بلکه با چارچوب پولی معتبر، اصلاح مالی و انتظارات قابل مدیریت پایدار می‌شود.

سنگاپور؛ حکمرانی، تجارت و شهر-دولت رقابتی

سنگاپور از موقعیت جغرافیایی، بندر، آموزش، دولت حرفه‌ای و چارچوب سخت‌گیرانه ضدفساد برای تبدیل شدن به مرکز تجارت و خدمات استفاده کرد. مدل آن به دلیل اندازه کوچک قابل انتقال کامل نیست، اما اهمیت اجرای قانون و خدمات عمومی کارآمد، در هر مقیاسی قابل یادگیری است.

روسیه؛ تاب‌آوری در برابر تحریم و هزینه‌های آن

پس از تحریم‌های ۲۰۱۴ و تشدید آنها از ۲۰۲۲، روسیه مسیرهای تجاری و مالی خود را بیشتر به آسیا متنوع کرد، استفاده از ارزهای غیردلاری را در بخشی از تجارت افزایش داد و سامانه‌های داخلی پرداخت و پیام‌رسانی مالی را توسعه داد. این سازگاری بخشی از شوک را جذب کرد، اما محدودیت فناوری، هزینه سرمایه و ریسک وابستگی جدید همچنان مهم است.

درس برای ایران این است که تنوع مسیرهای مالی مفید است، اما جایگزین رشد بهره‌وری، فناوری و اصلاح نهادی نمی‌شود.

وجه مشترک تجربه‌ها

برنامه بلندمدت، ثبات نسبی قواعد، سرمایه انسانی، رقابت، زیرساخت، انضباط مالی، امکان سنجش عملکرد، و توان اصلاح مسیر. هیچ کشور موفقی تنها با یک شعار یا یک شریک خارجی توسعه نیافته است.

نکته کلیدی: هر اصلاح اقتصادی باید هم‌زمان سه آزمون را بگذراند: امکان اجرا، قابلیت اندازه‌گیری و عدالت در توزیع هزینه و منفعت.

فصل پنجم

ایران و نظام مالی جهانی

دلار، بانک‌ها، سوئیفت و سازوکار قدرت اقتصادی

◆ ◆ ◆

مقدمه

اقتصاد جهانی شبکه‌ای است. پول، اعتبار، بیمه، حمل‌ونقل، استاندارد فنی و مقررات حقوقی مانند حلقه‌های یک زنجیر به هم متصل‌اند. نفوذ اقتصادی کشورها فقط از اندازه تولید نمی‌آید؛ از عمق بازار سرمایه، نقش ارز، اعتبار نهادها و کنترل بر فناوری و استاندارد نیز ناشی می‌شود.

نقش دلار

دلار همچنان اصلی‌ترین ارز ذخیره جهانی و یکی از مهم‌ترین ارزهای تسویه و قیمت‌گذاری است. داده‌های صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد سهم دلار از ذخایر رسمی تخصیص‌یافته جهان در سه‌ماهه نخست ۲۰۲۶ حدود ۵۷ درصد بوده است. این سهم در مقایسه با دهه‌های گذشته کاهش یافته، اما همچنان بسیار بزرگ است.

جایگاه دلار از ترکیب چند عامل می‌آید: عمق بازار اوراق خزانه آمریکا، نقدشوندگی، شبکه بانکی، حجم تجارت و عادت‌های قراردادی. جایگزینی یک ارز جهانی صرفاً با تصمیم سیاسی ممکن نیست؛ نیازمند بازار مالی عمیق، اعتماد حقوقی و قابلیت تبدیل گسترده است.

بانکداری کارگزار و تسویه بین‌المللی

بانک‌های یک کشور برای پرداخت به خارج معمولاً به روابط کارگزاری، حساب‌های متقابل و شبکه‌های تسویه نیاز دارند. هرچه ریسک حقوقی یا تحریمی بیشتر باشد، بانک‌های خارجی هزینه رعایت مقررات را بالاتر می‌بینند و ممکن است از رابطه صرف‌نظر کنند. نتیجه می‌تواند افزایش واسطه‌ها، هزینه و زمان باشد.

سوئیفت چیست و چه نیست

سوئیفت یک تعاونی جهانی و ارائه‌دهنده پیام‌رسانی امن مالی است. سوئیفت خود پول را «جابجا» نمی‌کند؛ پیام‌ها و استانداردهایی را منتقل می‌کند که بانک‌ها و مؤسسات مالی بر اساس آنها دستورهای پرداخت و اطلاعات مرتبط را تبادل می‌کنند. این تفاوت برای تحلیل دقیق بسیار مهم است.

محدودیت دسترسی به پیام‌رسانی استاندارد، پرداخت را ناممکن نمی‌کند، اما می‌تواند آن را پیچیده‌تر کند و نیاز به مسیرهای جایگزین و تطبیق بیشتر ایجاد کند.

تحریم‌های مالی چگونه اثر می گذارند؟

تحریم مالی از مسیر افزایش ریسک، محدود کردن دسترسی به دارایی یا خدمات، ممنوعیت معامله با اشخاص مشخص و ایجاد هزینه رعایت مقررات عمل می کند. حتی شرکت غیرآمریکایی ممکن است به دلیل دسترسی خود به بازار، بانک یا فناوری آمریکا، ریسک معامله را بالا ارزیابی کند.

برای تحلیل اثر تحریم باید میان محدودیت قانونی مستقیم، رفتار احتیاطی بنگاه‌ها و مشکلات داخلی مانند چندنرخی بودن ارز یا ضعف شفافیت مالی تفکیک کرد. همه هزینه‌ها منشأ یکسان ندارند.

هزینه برای ایران

هزینه‌های معمول شامل گران‌تر شدن انتقال پول، افزایش تخفیف یا هزینه واسطه، دشواری تأمین مالی پروژه، محدودیت بیمه و حمل‌ونقل و کاهش همکاری برخی شرکت‌های بزرگ است. این هزینه‌ها به‌طور نامتقارن به بنگاه‌های کوچک‌تر منتقل می‌شود، زیرا آنها قدرت چانه‌زنی کمتری دارند.

راه جایگزین؛ تنوع نه خیال جدایی کامل

کشورها می‌توانند بخشی از مبادلات را با ارزهای ملی، سامانه‌های منطقه‌ای، خطوط سوآپ، ذخایر متنوع و فناوری‌های جدید انجام دهند. اما هیچ ابزار واحدی امروز جایگزین کامل شبکه مالی جهانی نیست. راهبرد واقع‌بینانه، افزایش گزینه‌ها و کاهش تمرکز است، در کنار حفظ دسترسی به هر مسیری که از نظر اقتصادی و حقوقی ممکن باشد.

جمع‌بندی

شناخت نظام مالی جهانی به معنای پذیرش یا رد سیاسی آن نیست؛ به معنای فهم محدودیت‌ها و ابزارهاست. استقلال اقتصادی زمانی بیشتر می‌شود که کشور هم در داخل باثبات باشد و هم در خارج چند مسیر معتبر برای تجارت و تأمین مالی داشته باشد.

نکته کلیدی: هر اصلاح اقتصادی باید هم‌زمان سه آزمون را بگذراند: امکان اجرا، قابلیت اندازه‌گیری و عدالت در توزیع هزینه و منفعت.

فصل ششم

گزینه‌های پیش‌روی ایران

چگونه وابستگی اقتصادی را کاهش دهیم بدون آنکه منزوی شویم؟

◆ ◆ ◆

مقدمه

کاهش وابستگی باید از تعریف دقیق آغاز شود. وابستگی یعنی نبود گزینه جایگزینِ قابل استفاده با هزینه معقول. بنابراین هدف، «قطع رابطه» نیست؛ هدف افزایش گزینه، قدرت چانه‌زنی و امکان ادامه فعالیت در شرایط شوک است.

چین

چین برای ایران هم بازار، هم تأمین‌کننده فناوری و کالا و هم منبع بالقوه سرمایه است. فرصت‌های اصلی در انرژی، پتروشیمی، معدن، حمل‌ونقل، ماشین‌آلات و فناوری قرار دارند. اما رابطه سالم نیازمند قرارداد شفاف، انتقال فناوری، رقابت و جلوگیری از تبدیل یک شریک بزرگ به تنها مسیر است.

روسیه

همکاری با روسیه در انرژی، ترانزیت، کشاورزی، کریدور شمال-جنوب و برخی فناوری‌ها اهمیت دارد. در عین حال، روسیه خود تحت محدودیت‌های مالی و فناوری قرار دارد. بنابراین این رابطه باید مکمل سبد روابط باشد، نه جایگزین همه روابط.

هند

هند بازاری بزرگ، واردکننده انرژی و مرکز مهم خدمات فناوری و داروسازی است. چابهار و اتصال ایران به آسیای مرکزی می‌تواند منافع مشترک ایجاد کند. هند نیز مانند هر کشور دیگر بر اساس منافع خود تصمیم می‌گیرد؛ بنابراین قراردادها باید رقابتی و مبتنی بر منفعت متقابل باشند.

بریکس

بریکس بستری برای گفت‌وگو و همکاری اقتصادهای نوظهور است و در سال‌های اخیر گسترش یافته است. ظرفیت آن در همکاری مالی، توسعه‌ای و تجاری قابل توجه است، اما بریکس اتحادیه پولی یا بازار واحد نیست. تفاوت منافع اعضا به معنای آن است که نباید از آن انتظار جایگزینی یکباره نظم مالی جهانی را داشت.

پیمان‌های پولی و استفاده از ارزهای ملی

اگر دو کشور تجارت پایدار و نسبتاً متوازن داشته باشند، می‌توان بخشی از پرداخت را با ارزهای ملی یا خطوط سوآپ انجام داد. این ابزار هزینه ارز واسطه را کاهش می‌دهد، اما ریسک نرخ ارز و محدودیت تبدیل‌پذیری باقی می‌ماند. هر پیمان باید سقف، دوره تسویه و سازوکار مدیریت عدم‌توازن داشته باشد.

طلا و سبد ذخایر

طلا ذخیره ارزش مهمی است و ریسک اعتباری ناشر ندارد، اما بهره جاری ایجاد نمی‌کند و برای تسویه روزمره تجارت ابزار راحتی نیست. سیاست ذخایر باید سبدی از ارزها، طلا و دارایی‌های نقدشونده باشد و بر اساس سناریوهای ریسک طراحی شود.

فناوری مالی، CBDC و بلاکچین

ارز دیجیتال بانک مرکزی یک بدهی مستقیم بانک مرکزی در قالب دیجیتال است. می‌تواند در پرداخت داخلی یا برخی سناریوهای فرامرزی کارایی ایجاد کند، اما معجزه تحریمی نیست. طراحی حقوقی، حریم خصوصی، امنیت سایبری، قابلیت همکاری و ثبات مالی تعیین‌کننده‌اند.

بلاکچین نیز در کاربردهایی که نیاز به دفترکل مشترک، قابلیت رهگیری و هماهنگی چند بازیگر وجود دارد مفید است، اما استفاده از آن باید مبتنی بر مسئله واقعی باشد، نه جذابیت فناوری.

اصل تنوع

برای ایران بهترین سبد، ترکیبی از همسایگان، آسیا، اروپا، آفریقا، آمریکای لاتین و هر بازار دیگری است که رابطه اقتصادی قانونی و سودآور با آن ممکن باشد. دیپلماسی اقتصادی باید شاخص‌پذیر باشد: رشد صادرات، جذب فناوری، کاهش هزینه لجستیک و افزایش تنوع بازار.

نکته کلیدی: هر اصلاح اقتصادی باید هم‌زمان سه آزمون را بگذراند: امکان اجرا، قابلیت اندازه‌گیری و عدالت در توزیع هزینه و منفعت.

فصل هفتم

نقشه اصلاح اقتصاد ایران

اقتصادی که برای مردم کار کند

◆ ◆ ◆

مقدمه

اصلاح اقتصادی زمانی مشروعیت پیدا می‌کند که مردم نتیجه آن را در ثبات، فرصت شغلی، خدمات بهتر و عدالت رویه‌ای ببینند. هدف اصلاح، صرفاً بهبود یک شاخص کلان نیست؛ باید کیفیت زندگی و امکان برنامه‌ریزی خانوار و بنگاه را بهتر کند.

۱. اصلاح مالیاتی

اصل نخست، مالیات بر پایه گسترده و نرخ‌های معقول است. معافیت‌ها باید محدود، هدفمند و زمان‌دار باشند. تبادل داده میان دستگاه‌ها باید جای ممیزی سلیقه‌ای را بگیرد و مسیر اعتراض مؤدی روشن و سریع باشد. برای تولید و سرمایه‌گذاری، ثبات قواعد مهم‌تر از تخفیف‌های مقطعی است.

۲. اصلاح بانکی

بانک‌ها باید صورت‌های مالی قابل اعتماد، سرمایه کافی، مدیریت ریسک حرفه‌ای و نظارت مؤثر داشته باشند. تسهیلات مرتبط با اشخاص وابسته و تمرکز اعتباری باید افشا شود. بانک ناسالم نباید با دسترسی دائمی و بدون شرط به منابع، هزینه خود را به جامعه منتقل کند.

۳. حذف رانت و انحصار

هر امتیاز اقتصادی باید معیار عمومی، مدت و سازوکار ارزیابی داشته باشد. مجوز، ارز ترجیحی، زمین و قرارداد عمومی در صورتی که بدون رقابت و داده توزیع شود، رانت ایجاد می‌کند. حذف رانت یعنی حذف امتیاز بی‌پاسخ‌گویی، نه حذف حمایت اجتماعی هدفمند.

۴. شفافیت داده

داده بودجه، قرارداد، دارایی و عملکرد باید در قالب قابل جست‌وجو و ماشین‌خوان منتشر شود. انتشار فایل اسکن‌شده یا گزارش کلی کافی نیست. مردم و پژوهشگران باید بتوانند هزینه را با نتیجه مقایسه کنند.

۵. دولت دیجیتال

دیجیتال‌سازی باید فرآیند را ساده کند، نه اینکه همان بوروکراسی کاغذی را به فرم آنلاین تبدیل کند. طراحی خدمت از دید کاربر، تبادل داده میان دستگاه‌ها، امضای دیجیتال و حذف درخواست مدارکی که دولت خود در اختیار دارد، پایه دولت هوشمند است.

۶. حذف مجوزهای غیرضروری

قاعده باید این باشد که فعالیت اقتصادی آزاد است مگر آنکه ریسک روشن سلامت، ایمنی، محیط‌زیست یا حقوق عمومی نیازمند مجوز باشد. برای مجوزهای ضروری نیز زمان پاسخ، مدارک و هزینه باید از قبل مشخص باشد؛ سکوت اداری نباید به ابزار تعویق تبدیل شود.

۷. بخش خصوصی واقعی

بخش خصوصی در محیطی رشد می‌کند که دولت هم‌زمان داور و رقیب نباشد. شرکت‌های دولتی و عمومی باید صورت مالی شفاف، قواعد رقابتی و محدودیت روشن در استفاده از امتیازهای حاکمیتی داشته باشند.

۸. دولت چابک و کارآمد

اصلاح دولت باید از ادغام مأموریت‌های هم‌پوشان، بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و حرفه‌ای‌سازی مدیریت آغاز شود. کوچک‌سازی بدون اصلاح فرآیند ممکن است فقط کیفیت خدمت را کاهش دهد.

۹. حمایت هوشمند از تولید

حمایت مؤثر از تولید شامل ثبات اقتصاد کلان، زیرساخت، دسترسی به اعتبار رقابتی، استاندارد، آموزش مهارت و تسهیل صادرات است. حمایت تعرفه‌ای یا یارانه‌ای باید زمان‌دار و مشروط به شاخص عملکرد باشد.

۱۰. جذب سرمایه

سرمایه داخلی و خارجی هر دو به امنیت حقوق مالکیت، امکان خروج سود طبق قانون، قرارداد قابل اجرا و مقررات پایدار نیاز دارند. سرمایه‌گذاری خارجی ارزش بیشتری دارد اگر انتقال دانش، توسعه زنجیره تأمین داخلی و دسترسی به بازار را نیز به همراه آورد.

اصل طلایی اصلاحات

پیش از هر سیاست باید پرسید: آیا بهره‌وری را افزایش می‌دهد؟ آیا رانت را کم می‌کند؟ آیا آثار توزیعی آن عادلانه و قابل جبران است؟ و آیا شاخصی برای سنجش نتیجه دارد؟ اگر پاسخ روشن نیست، سیاست هنوز آماده اجرا نیست.

نکته کلیدی: هر اصلاح اقتصادی باید هم‌زمان سه آزمون را بگذراند: امکان اجرا، قابلیت اندازه‌گیری و عدالت در توزیع هزینه و منفعت.

فصل هشتم

راهبرد کاهش وابستگی و افزایش تاب‌آوری

از اصلاح داخلی تا تنوع جهانی

◆ ◆ ◆

مقدمه

تاب‌آوری اقتصادی یعنی توان ادامه خدمات حیاتی، تجارت و سرمایه‌گذاری در هنگام شوک و سپس بازگشت سریع به مسیر رشد. تاب‌آوری با انبار کردن همه چیز در داخل به دست نمی‌آید؛ با تنوع، ذخیره مناسب، شبکه جایگزین و نهادهای سریع‌العمل ساخته می‌شود.

مرحله اول: ثبات داخلی

کنترل تورم، بودجه منضبط، بانک سالم، نرخ ارز قابل پیش‌بینی و شفافیت مالی پیش‌شرط هر راهبرد خارجی است. کشوری با تورم بالا حتی اگر از ارزهای ملی استفاده کند، طرف تجاری برای پذیرش پول آن تردید خواهد داشت.

مرحله دوم: تنوع شرکای تجاری

تنوع باید با شاخص سنجیده شود: سهم بزرگ‌ترین شریک از صادرات و واردات، تعداد بازارهای فعال، تنوع محصول و مسیر حمل. هدف این نیست که سهم یک کشور مصنوعی کاهش یابد؛ هدف آن است که شوک در یک بازار، کل تجارت را مختل نکند.

مرحله سوم: پیمان‌های پولی هدفمند

پیمان پولی باید بر تجارت واقعی بنا شود. بهتر است از کالاها و خدماتی آغاز شود که جریان دوطرفه دارند و بانک‌های مشخص مسئول تسویه باشند. شفافیت نرخ تبدیل و سازوکار حل اختلاف برای اعتماد طرفین ضروری است.

مرحله چهارم: صادرات غیرنفتی

تمرکز بر ارزش افزوده مهم‌تر از صرفاً افزایش وزن صادرات است. محصولات فرآوری‌شده، خدمات فنی، نرم‌افزار، گردشگری، صنایع دانش‌بنیان، پتروشیمی تکمیلی و لجستیک می‌توانند درآمد ارزی با اشتغال و دانش بیشتر ایجاد کنند.

مرحله پنجم: ذخایر و زیرساخت مالی

سبد ذخایر باید با سناریوهای واردات ضروری، شوک ارزی و دسترسی مالی هماهنگ شود. زیرساخت پرداخت داخلی باید مستقل، امن و قابل اتصال به شبکه‌های منطقه‌ای باشد. استقلال فنیِ داخلی و قابلیت همکاری بین‌المللی دو هدف هم‌زمان‌اند.

مرحله ششم: کریدورها و ترانزیت

مزیت جغرافیایی ایران زمانی به درآمد تبدیل می‌شود که زمان عبور، گمرک، تعرفه، قابلیت پیش‌بینی و اتصال ریلی و بندری رقابتی باشد. ترانزیت فقط ساخت جاده نیست؛ زنجیره‌ای از استاندارد، بیمه، گمرک و خدمات لجستیک است.

مرحله هفتم: سرمایه و فناوری متنوع

سرمایه‌گذاری مشترک با شرکای متعدد، خرید فناوری، قرارداد لیسانس و توسعه پژوهش مشترک می‌تواند وابستگی را کاهش دهد. معیار موفقیت، سهم تولید داخلی، انتقال مهارت و امکان صادرات محصول نهایی است.

مرحله هشتم: تعامل با اقتصاد جهانی

استقلال اقتصادی در دنیای امروز به معنای توان انتخاب میان چند رابطه است، نه قطع رابطه. ایران باید هم‌زمان توان همکاری منطقه‌ای و دسترسی به بازارهای بزرگ جهانی را دنبال کند. هر گشایش خارجی زمانی ماندگار است که بنگاه داخلی رقابت‌پذیر باشد.

نقشه زمانی پیشنهادی

سال‌های ۱ تا ۳: ثبات، بودجه، بانک، داده و دولت دیجیتال. سال‌های ۳ تا ۵: جهش صادرات، کریدورها و ابزارهای پرداخت مکمل. سال‌های ۵ تا ۱۰: ارتقای فناوری، سرمایه‌گذاری و جایگاه منطقه‌ای. این زمان‌بندی سناریو است و باید هر سال بر اساس داده بازنگری شود.

نکته کلیدی: هر اصلاح اقتصادی باید هم‌زمان سه آزمون را بگذراند: امکان اجرا، قابلیت اندازه‌گیری و عدالت در توزیع هزینه و منفعت.

فصل نهم

شفافیت، مبارزه با فساد و حذف رانت

معماری یک اقتصاد قابل نظارت

◆ ◆ ◆

مقدمه

فساد فقط رفتار بد یک فرد نیست؛ اغلب محصول محیطی است که اختیار زیاد، اطلاعات کم و پاسخ‌گویی ضعیف را کنار هم قرار می‌دهد. بنابراین راهبرد مؤثر باید احتمال و سود فساد را کاهش دهد و امکان کشف و مجازات عادلانه را بالا ببرد.

شفافیت معنادار

شفافیت یعنی داده‌ای که به‌موقع، کامل، قابل جست‌وجو و قابل مقایسه باشد. انتشار قرارداد بدون پیوست، بودجه بدون عملکرد یا داده با تأخیر زیاد، نظارت مؤثر ایجاد نمی‌کند. استاندارد داده باز می‌تواند کیفیت نظارت را چند برابر کند.

مناقصه و مزایده الکترونیکی

از ثبت نیاز تا ارزیابی پیشنهاد و اعلام برنده باید ردپای دیجیتال وجود داشته باشد. معیارهای امتیازدهی باید پیشاپیش منتشر شود و تغییر آنها پس از دریافت پیشنهاد ممکن نباشد. داده تاریخی قیمت‌ها نیز برای کشف تبانی مفید است.

قراردادهای عمومی و مالک ذی‌نفع

در قراردادهای بزرگ، علاوه بر نام شرکت باید مالک یا ذی‌نفع نهایی تا حدی که قانون اجازه می‌دهد روشن باشد. این اقدام امکان پنهان شدن تعارض منافع پشت شرکت‌های واسطه را کاهش می‌دهد.

حذف امضای طلایی

هر تصمیم اداری باید یا بر قاعده روشن استوار باشد یا اگر نیاز به تشخیص انسانی دارد، دلایل آن ثبت و قابل بازبینی باشد. تفویض اختیار بدون ثبت دلیل و امکان اعتراض، زمینه امضای طلایی را ایجاد می‌کند.

مالیات هوشمند

تحلیل ریسک می‌تواند حسابرسی را از برخورد فراگیر به بررسی هدفمند تبدیل کند. اتصال داده فروش، گمرک، دارایی و اظهارنامه، در چارچوب حقوق حریم خصوصی، فرار مالیاتی را دشوارتر و هزینه رعایت را برای مؤدی سالم کمتر می‌کند.

هوش مصنوعی و کشف الگوهای غیرعادی

الگوریتم می‌تواند قیمت غیرعادی در مناقصه، شبکه ارتباط شرکت‌ها یا تراکنش نامعمول را پرچم‌گذاری کند؛ اما تصمیم نهایی باید قابل توضیح و قابل اعتراض باشد. هوش مصنوعی ابزار نظارتی است، نه قاضی.

حمایت از گزارشگران فساد

سامانه امن گزارش، محرمانگی هویت، منع تلافی و مسیر رسیدگی مستقل ضروری است. اگر گزارشگر هزینه شخصی سنگینی بپردازد، حتی بهترین قانون روی کاغذ کار نخواهد کرد.

تعارض منافع

مقامات و مدیرانی که در تنظیم‌گری، خرید عمومی یا تخصیص مجوز نقش دارند باید تعارض منافع را افشا کنند و در موارد مشخص از تصمیم کنار بروند. این قاعده از فساد پیشگیری می‌کند حتی پیش از آنکه تخلفی رخ دهد.

اصل پاسخ‌گویی

هر نهاد باید بداند برای کدام خروجی پاسخ‌گوست. اگر مسئولیت میان چند سازمان پخش باشد، شکست بی‌صاحب می‌شود. گزارش سالانه عملکرد و جلسه پاسخ‌گویی عمومی می‌تواند این حلقه را تکمیل کند.

مدل پیشنهادی

دولت الکترونیک، سامانه ملی قراردادها، داده باز بودجه، ثبت مالک ذی‌نفع، نظام تعارض منافع، مالیات داده‌محور، حمایت از گزارشگر و تحلیل هوشمند باید یکپارچه طراحی شوند. اجرای تک‌قطعه‌ای اثر محدودی دارد.

نکته کلیدی: هر اصلاح اقتصادی باید هم‌زمان سه آزمون را بگذراند: امکان اجرا، قابلیت اندازه‌گیری و عدالت در توزیع هزینه و منفعت.

فصل دهم

نقشه راه ده‌ساله برای تحول اقتصاد ایران

از ثبات تا رقابت‌پذیری

◆ ◆ ◆

مقدمه

نقشه راه، پیش‌بینی آینده نیست. سندی است که مسیر مطلوب، توالی اقدامات، مسئولیت‌ها و شاخص‌های ارزیابی را روشن می‌کند. در محیط پرعدم‌قطعیت، برنامه خوب باید هم جهت ثابت داشته باشد و هم امکان اصلاح مسیر.

سال اول: ثبات و اعتماد

اصلاح بودجه، آغاز اصلاح مالیاتی، انتشار اطلاعات مالی، نقشه سلامت بانک‌ها، حذف بخشی از مجوزها و ایجاد داشبورد عمومی اصلاحات. شاخص‌ها: تورم، کسری بودجه ساختاری، زمان مجوز و میزان انتشار داده.

سال دوم: محیط کسب‌وکار و ضدفساد

دیجیتال‌سازی مناقصه‌ها، قانون تعارض منافع، اصلاح رویه سرمایه‌گذاری، مالیات هوشمند و کاهش هزینه اداری. شاخص‌ها: زمان شروع کسب‌وکار، رقابت در مناقصه، سرمایه‌گذاری خصوصی و رضایت کاربر از خدمات عمومی.

سال سوم: تولید و بهره‌وری

تأمین مالی رقابتی، استاندارد و کیفیت، توسعه خوشه‌های صنعتی و حمایت مشروط از صادرات. شاخص‌ها: رشد بهره‌وری، سرمایه‌گذاری ثابت، صادرات صنعتی و اشتغال رسمی.

سال چهارم: تجارت و لجستیک

بهبود گمرک، بنادر و راه‌آهن، توافق‌های تسهیل تجارت و پیمان‌های پولی هدفمند. شاخص‌ها: زمان ترخیص، هزینه لجستیک، درآمد ترانزیت و تنوع بازار صادرات.

سال پنجم: سرمایه و فناوری

چارچوب حقوقی سرمایه‌گذاری، پروژه‌های مشترک با انتقال فناوری، توسعه صندوق‌های سرمایه‌گذاری و پیوند دانشگاه و صنعت. شاخص‌ها: ورود سرمایه، ثبت اختراع کاربردی، صادرات دانش‌بنیان و سهم تجهیزات نو در تولید.

سال ششم: اقتصاد دیجیتال

هویت دیجیتال، امضای دیجیتال، داده باز، ابر دولتی امن، هوش مصنوعی در خدمات و رقابت در زیرساخت ارتباطی. شاخص‌ها: سهم خدمات دیجیتال، زمان ارائه خدمت و بهره‌وری اداری.

سال هفتم: تعمیق بازار سرمایه

افزایش شفافیت شرکت‌ها، ابزار بدهی و سهام برای پروژه‌های مولد، حاکمیت شرکتی و حمایت از سرمایه‌گذار خرد. هدف کاهش وابستگی تأمین مالی بنگاه به بانک است.

سال هشتم: تاب‌آوری

تنوع ذخایر، امنیت انرژی و غذا، پشتیبان زیرساخت‌های حیاتی و نقشه ریسک زنجیره تأمین. شاخص‌ها: زمان بازیابی خدمات، تنوع واردات ضروری و ظرفیت ذخیره راهبردی.

سال نهم: قطب منطقه‌ای

توسعه خدمات لجستیک، مالی، فنی و مهندسی و پیوند دادن کریدورها به مناطق صنعتی. هدف این است که ایران فقط مسیر عبور نباشد، بلکه خدمات با ارزش افزوده ارائه دهد.

سال دهم: تثبیت و بازنگری

ارزیابی مستقل کل برنامه، پایان دادن به سیاست‌های کم‌اثر، تثبیت قواعد موفق و تدوین برنامه ده‌ساله بعدی. شاخص‌های نهایی باید رشد پایدار، تورم پایین و باثبات، درآمد سرانه، سرمایه‌گذاری، بهره‌وری و کاهش فقر و نابرابری فرصت را پوشش دهند.

چارچوب حکمرانی برنامه

برای جلوگیری از تبدیل نقشه راه به فهرست آرزوها، هر اقدام باید چهار جزء داشته باشد: مسئول مشخص، زمان‌بندی، بودجه و شاخص نتیجه. گزارش پیشرفت باید عمومی و هر سال توسط نهاد مستقل ارزیابی شود.

> نکته کلیدی: هر اصلاح اقتصادی باید هم‌زمان سه آزمون را بگذراند: امکان اجرا، قابلیت اندازه‌گیری و عدالت در توزیع هزینه و منفعت.

نتیجه گیری

اگر یک پیام از این کتاب باقی بماند، آن پیام این است: قدرت اقتصادی از درونِ نهادها آغاز می‌شود. منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و جمعیت تحصیل کرده مزیت‌اند، اما تا زمانی که به بهره‌وری، سرمایه گذاری، اعتماد و قواعد پایدار تبدیل نشوند، مزیت بالقوه باقی می‌مانند.

تحریم و فشار خارجی واقعی‌اند و می‌توانند هزینه تجارت، فناوری و تأمین مالی را افزایش دهند. پاسخ پایدار، هم کاهش تنش و گسترش روابط اقتصادی متوازن است و هم مقاوم‌سازی داخل. هیچ کدام جای دیگری را نمی گیرد. ایران هرچه شرکای بیشتر، محصولات صادراتی متنوع‌تر، نظام مالی شفاف‌تر و اقتصاد داخلی رقابتی‌تری داشته باشد، قدرت انتخاب بیشتری خواهد داشت.

اقتصاد آزاد در معنای دقیق خود، اقتصاد بی‌قاعده نیست. آزادی اقتصادی بدون رقابت، شفافیت و حاکمیت قانون می‌تواند به انحصار تبدیل شود؛ همان‌طور که دولت بزرگ بدون پاسخ گویی می‌تواند به ناکارآمدی برسد. تعادل مطلوب، دولتی توانمند و محدود به قواعد در کنار بخشی خصوصی رقابتی و جامعه‌ای آگاه است.

من این کتاب را به عنوان یک شهروند و سرباز نوشته‌ام؛ نه برای آنکه همه پاسخ‌ها را اعلام کنم، بلکه برای اینکه نشان دهم چگونه می‌توان میان امنیت، اقتصاد، تعامل جهانی و رفاه مردم رابطه‌ای عقلانی‌تر ساخت. آینده کشور را یک تصمیم یا یک دولت نمی‌سازد؛ تداوم قواعد درست و اصلاح خطاها می‌سازد.

آرزو دارم نسل‌های آینده ایرانی را تجربه کنند که در آن امنیت، رفاه، فرصت، عدالت و امید، مفاهیمی روزمره باشند. اگر این کتاب حتی یک خواننده را وادار کند که خبر اقتصادی را دقیق‌تر بخواند، از سیاست‌گذار شاخص بخواهد و میان شعار و سازوکار تفاوت بگذارد، رسالت خود را انجام داده است.

وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ

حمیدرضا پاکباختگان

ویرایش نهایی، ۱۴۰۵ / ۲۰۲۶

ضمیمه اول: چک‌لیست سنجش هر سیاست اقتصادی

پیش از دفاع یا مخالفت با هر سیاست اقتصادی، می‌توان این ده پرسش را مطرح کرد. اگر پاسخ‌ها روشن نباشند، سیاست هنوز نیازمند طراحی بیشتر است.

1. مسئله دقیق چیست و با چه داده‌ای وجود آن اثبات می‌شود؟
2. هدف سیاست چیست و با چه شاخصی سنجیده می‌شود؟
3. هزینه مالی مستقیم و پنهان آن چقدر است؟
4. چه گروه‌هایی در کوتاه‌مدت برنده یا بازنده می‌شوند؟
5. برای گروه‌های آسیب‌پذیر چه جبرانی طراحی شده است؟
6. آیا سیاست رانت یا انحصار جدید می‌سازد؟
7. آیا نهاد مسئول توان اجرا و داده لازم را دارد؟
8. تاریخ بازنگری یا پایان سیاست چه زمانی است؟
9. سناریوی شکست چیست و راه خروج چگونه تعریف شده است؟
10. آیا نتیجه و داده اجرای سیاست برای عموم منتشر خواهد شد؟

ضمیمه دوم: داشبورد پیشنهادی برای اقتصاد ایران

برای جلوگیری از گم شدن در انبوه آمار، یک داشبورد محدود اما پایدار می‌تواند تصویر کلی اقتصاد را نشان دهد. مقادیر هدف باید توسط نهادهای تخصصی و بر اساس شرایط روز تعیین شوند.

حوزه	شاخص نمونه	چرا مهم است؟
ثبات قیمت	تورم سالانه و تورم هسته	قدرت خرید و قابلیت برنامه‌ریزی
بودجه	کسری ساختاری، سهم درآمد پایدار	ریسک تورمی و بدهی
پول و بانک	رشد نقدینگی، کفایت سرمایه بانک‌ها	سلامت واسطه‌گری مالی
سرمایه‌گذاری	تشکیل سرمایه ثابت	ظرفیت رشد آینده
بهره‌وری	رشد بهره‌وری کل عوامل	کیفیت رشد
اشتغال	نرخ مشارکت، اشتغال رسمی	درآمد و فرصت
تجارت	تنوع بازار و محصول صادراتی	تاب‌آوری خارجی

حوزه	شاخص نمونه	چرا مهم است؟
حکمرانی	زمان مجوز، رقابت مناقصه، داده باز	هزینه مبادله و فساد
رفاه	درآمد سرانه واقعی، فقر، ضریب جینی	نتیجه نهایی سیاست برای مردم

واژه‌نامه کوتاه

پایه پولی — پول پرقدرت ایجادشده توسط بانک مرکزی؛ شامل اجزایی مانند اسکناس در دست مردم و ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی.

نقدینگی — مجموع پول و شبه‌پول در اقتصاد؛ تعریف دقیق بر اساس طبقه‌بندی آماری بانک مرکزی انجام می‌شود.

کسری بودجه — بیشتر بودن مخارج دولت از درآمدهای آن در یک دوره.

بهره‌وری — میزان خروجی به ازای نهاده؛ به زبان ساده، بهتر کار کردن با منابع موجود.

رانت — منفعتی که نه از رقابت و نوآوری، بلکه از امتیاز، محدودیت دسترسی یا قاعده نامتقارن به دست می‌آید.

تعارض منافع — وضعیتی که منافع شخصی یا سازمانی تصمیم‌گیر می‌تواند بر تصمیم عمومی اثر بگذارد.

سوئیفت — شبکه و استاندارد پیام‌رسانی امن مالی میان مؤسسات؛ خودِ شبکه، پول را جابه‌جا نمی‌کند.

CBDC — ارز دیجیتال بانک مرکزی؛ شکل دیجیتال بدهی مستقیم بانک مرکزی که طراحی آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

پیمان پولی — توافق برای تسویه بخشی از تجارت با ارزهای ملی یا سازوکارهای مشخص میان دو یا چند کشور.

تاب‌آوری اقتصادی — توان جذب شوک، ادامه کارکردهای حیاتی و بازگشت به مسیر رشد با کمترین آسیب.

تنوع‌بخشی — کاهش تمرکز بیش از حد بر یک منبع درآمد، بازار، شریک، ارز یا مسیر تأمین.

منابع منتخب و مسیر مطالعه بیشتر

این فهرست برای مطالعه بیشتر تهیه شده است. تاریخ دسترسی منابع آنلاین: ۲۰۲۶. ارجاع به یک منبع به معنای پذیرش همه دیدگاه‌های آن نیست؛ هدف، استفاده از داده و تحلیل قابل بررسی است.

- International Monetary Fund (IMF), Currency Composition of Official Foreign Exchange Reserves (COFER), 2026 data releases.
- SWIFT, About Us / What We Do, official description of secure financial messaging and global network.
- World Bank, China country materials and reports on poverty reduction and economic transformation.
- World Bank and Korea Development Institute, Innovative Korea, 2023.
- International Monetary Fund, materials on Turkey’s 2001 crisis and post-crisis banking and macroeconomic reforms.
- World Bank, Viet Nam country overview and Viet Nam Economic Update, 2026.

- Bank for International Settlements (BIS), Central Bank Digital Currencies: foundational principles, executive summaries and .related papers
- World Bank, Worldwide Governance Indicators and publications .on public sector performance and business environment
- United Nations Conference on Trade and Development .(UNCTAD), World Investment Report, selected editions
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD), publications on competition, tax administration, public .integrity and productivity
- Transparency International, Corruption Perceptions Index methodology and country data (for comparative perception .measures)
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش‌های پولی و بانکی و نماگرهای اقتصادی؛ برای داده‌های رسمی داخلی.
- مرکز آمار ایران، حساب‌های ملی، شاخص قیمت و داده‌های بازار کار؛ برای داده‌های رسمی داخلی.

- سازمان برنامه و بودجه کشور، قوانین و گزارش‌های بودجه‌ای؛ برای بررسی ساختار درآمد و هزینه عمومی.

درباره نویسنده

حمیدرضا پاکباختگان نویسنده این اثر است. او در این کتاب از منظر یک شهروند علاقه‌مند به امنیت ملی، اقتصاد و آینده ایران، تلاش کرده موضوعات پیچیده اقتصادی را به زبان ساده و ساختارمند توضیح دهد. این صفحه عمداً از افزودن سوابق یا عناوینی که توسط نویسنده در متن حاضر ارائه نشده‌اند خودداری می‌کند تا اطلاعات شناسنامه‌ای اثر دقیق باقی بماند.

«قدرت واقعی، در تصمیم‌های درست، اقتصاد سالم و مردمی آگاه نهفته است.»